

## بررسی ابعاد اخلاقی مسئولیت مدنی دولت نسبت به زیست جهانی

مرضیه عباسیان پور<sup>۱</sup>، دکتر بهزاد ساعدی<sup>۲\*</sup>، دکتر علی آل بویه<sup>۳</sup>  
۱. گروه حقوق، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی  
۲. گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، ایران  
۳. گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه زاهدان، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۱۵)

### چکیده

**زمینه:** مسئولیت یک مولفه اخلاقی است. پاسخگویی معمولاً از مسئولیت ناشی می‌شود که مطابق با آن فرد از لحاظ قانونی در قبال صدمه‌ای که به دیگری وارد کرده است مسئول می‌باشد. یکی از مهم‌ترین بخش‌های حقوق مدنی، مسئولیت مدنی است و با توجه به اینکه هدف اصلی قواعد مسئولیت مدنی جبران خسارت‌های مادی و معنوی زیان دیده و ترمیم زیان وارده می‌باشد، دولت نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. بدیهی است گاه این مسئولیت بعدی جهانی می‌یابد و دولت‌ها را ملزم به پاسخگویی می‌کند. در مقاله حاضر سعی شده است تا ابعاد اخلاقی مسئولیت مدنی دولت‌ها نسبت به «زیست جهانی» تشریح شود.

**نتیجه‌گیری:** بررسی مسئولیت کشورها از منظر اخلاق و آرا و رویه‌های قضایی، از ضروریات حفاظت و بهره‌برداری از زیست جهانی محسوب می‌گردد. مسئولیت بعدی اخلاقی است و اخلاقیات جای گرفته در بطن مسئولیت مدنی دولت‌ها، بر طیفی از مبانی ارزش ذاتی قرار دارند که انسان محوری و زیست بوم محوری، دوسر آن را تشکیل می‌دهند. در سال‌های اخیر تعامل مناسب انسان با جهان و راه حل بحران‌های جهانی در بازگشت به مبانی رویه‌های قضایی در نظام بین‌الملل جستجو می‌شود. در مقایسه با سایر کشورهای جهان متأسفانه باید اعتراف کرد که کشور ایران تاکنون در این زمینه به واسطه مشکلات ناشی از آلودگی محیط زیست و آسیب به زیست جهانی، عدم پاسخگویی دولت و ناکارآمدی نظام قضایی کارنامه قابل قبولی نداشته. بنابراین لازم است، با طراحی و توسعه اقدامات پیشگیرانه و تصویب قوانین و مقررات دقیق و جامع در این زمینه، از آسیب به زیست جهانی جلوگیری کرد.

**کلیدواژه‌گان:** اخلاق، حقوق، مسئولیت مدنی، زیست جهانی

### سر آغاز

در دنیای امروز، بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی مبتنی بر مسئولیت مدنی شکل گرفته‌اند که تنها افراد جامعه را در بر نمی‌گیرد بلکه دولت‌ها نیز باید در برابر مسئولیت مدنی خود نسبت به جامعه و حتی جامعه بین‌المللی پاسخگو باشند. این مسئولیت در زمینه‌های گوناگون خدماتی، صنعتی، تولیدی و ... مطرح است. در این میان مسئولیتی که نسبت به زیست بوم جهانی وجود دارد را نباید به فراموشی سپرد و لذا مطالعه حاضر با هدف بررسی ابعاد اخلاقی مسئولیت مدنی دولت نسبت به زیست جهانی شکل گرفت. برای فهم بهتر موضوع در ادامه پس از تحلیل مفهوم اخلاق و نقش آن در حقوق مسئولیت مدنی، به تحلیل مسئولیت مدنی دولت نسبت به زیست جهانی و شرایط کنونی کشور ایران در این زمینه پرداخته شده است.

اخلاق<sup>۱</sup> با باورها و ارزشها و آرمانهای مردم گره خورده است و عرف برای آن قداست خاصی قایل می‌باشد و علم حقوق که در خدمت مردم و اجتماع می‌باشد، نمی‌تواند اخلاق را بی‌اهمیت انگارد، زیرا در غیر این صورت از ضمانت اجرای کافی برخوردار نخواهد بود. از این رو بسیاری از مفاهیم و قوانین مطرح در حقوق برای پاسداشت قوانین اخلاقی<sup>۲</sup> طراحی و تبیین شده‌اند تا بدین ترتیب بتوانند از اجرای احکام اخلاقی اطمینان یابند و جامعه را به آرمان خود که همانا مدینه فاضله است نزدیک کنند.

یکی از ابعاد اخلاقی که علم حقوق بر آن تأکید بسیاری دارد مسئولیت مدنی<sup>۳</sup> است. با توجه به اینکه برقراری عدالت اصلی‌ترین هدف علم حقوق است، در حقوق مسئولیت مدنی، آرمان عدالت جویی عام بسیار مورد توجه قرار دارد.

نویسنده مسئول: نشانی الکترونیکی: saedi.behzad11@gmail.com

## مفهوم اخلاق

کلمه «اخلاق» جمع خُلُق و به معنای خوی ها و روش هاست (۱). اصطلاح «اخلاق» در متون اخلاقی و استعمالات عرفی به سه معنا به کار می‌رود:

— غرایز و ملکات و صفات روحی و باطنی که در انسان است اخلاق نامیده می‌شود.

— اعمال و رفتاری که از این خلیقات ناشی گردد نیز اخلاق و یا رفتار اخلاقی گفته می‌شود.

— در برخی موارد «اخلاق» به رفتار پسندیده یا حالت نفسانی خوب اطلاق می‌شود که بنا بر این استعمال معنای محدودتری به خود می‌گیرد. (۲)

علم اخلاق، علمی است که صفات نفسانی خوب و بد و اعمال و رفتار اختیاری متناسب با آن‌ها را معرفی می‌کند و شیوهٔ تحصیل صفات نفسانی خوب و انجام اعمال پسندیده و دوری از صفات نفسانی بد و اعمال ناپسند را نشان می‌دهد (۳). بر اساس این تعریف، علم اخلاق علاوه بر گفتگو از صفات نفسانی خوب و بد، از اعمال و رفتار متناسب با آن‌ها نیز بحث می‌کند، و همچنان راه‌کارهای رسیدن به فضیلت‌ها و دوری از ردیلت‌ها را نیز مورد بررسی قرار می‌دهد. علم اخلاق از ارزش‌مندترین و ضروری‌ترین علمی است که انسان به آن‌ها نیازمند است (۴). هدف نهایی علم اخلاق این است که انسان را به کمال و سعادت حقیقی خود، یعنی قرب الهی که همانا هدف اصلی خلقت جهان و انسان است برساند (۴).

## ارتباط اخلاق و حقوق

اگر چه اخلاق و حقوق دارای مفهوم یکسانی نیستند اما آن دو به شکلی تنگاتنگ با یکدیگر همبسته اند و بر هنجارهایی با محتوای یکسان تاکید داشته که برای جلوگیری از آسیب رساندن به دیگران تدوین شده اند. چنانچه اخلاق را از کنار حقوق برداریم بی شک استبداد و اقتدارگرایی را آبیاری نموده ایم و قابلیت پذیرش ارکان حقوقی را کاهش داده ایم. با نگاهی تاریخی به ارتباط میان اخلاق و حقوق ۳ مرحله می‌توان برای آن متصور شد (۵):

مرحله اول بر برهه ای از تاریخ تاکید دارد که صاحب نظران تفاوتی میان اخلاق و حقوق قایل نبودند.

مرحله دوم به قرن ۱۸ میلادی بازمی‌گردد که مرزی مشخص میان اخلاق و حقوق توسط آزادی خواهان ترسیم شد و اخلاق را به عنوان صفات درونی و حقوق را به عنوان گرایش به اعمال بیرونی از یکدیگر مجزا کردند.

در مرحله سوم به واسطه بروز جنگ‌های ویرانگر اول و دوم صاحب نظران دریافتند که نمی‌بایست ارتباط میان حقوق و اخلاق قطع شود بنابراین در همان زمان بود که قوانین حقوق بشر تنظیم شد و در قوانین حقوقی مسئولیت کشورها در قبال رفتارهایشان و اثرات آن بر جامعه جهانی مورد توجه قرار گرفت.

با عنایت به قوانین اخلاقی است که آزادی دولت محدود می‌شود و نمی‌تواند هر قانونی را تصویب کند و هر طور که خواست عمل کند و همین قوانین اخلاقی است که دولت موظف به پاسخگویی می‌کند (۶). بنابراین، مسئولیت مدنی دولت‌ها نشأت گرفته از قرار گرفتن اخلاق در کنار حقوق است.

## مفهوم مسئولیت مدنی

از نظر لغوی باید گفت مسئولیت مدنی به معنای مورد سوال واقع شدن از کار و فعل انجام شده است، و ریشه آن سأل، یسأل است. مسئولیت حالتی است که انسان در آن از عمل خود مواخذه می‌شود. عملی که ناشی از یک اختلال در قاعده است و اگر قاعده اخلاقی باشد مسئولیت اخلاقی و اگر حقوقی باشد مسئولیت حقوقی است (۷). مسئولیت حقوقی به دو نوع تقسیم می‌شود:

— مسئولیت کیفری<sup>۴</sup>

— مسئولیت مدنی

رکن مهم مسئولیت مدنی ضرر است. شرط محقق مسئولیت مدنی این است که شخص باید عملی را انجام دهد و یا از انجام عملی خودداری کند که منجر به ضرر دیگری شود. هر فعل یا ترک فعل که موجب اضرار به شخص اعم از حقیقی یا حقوقی شود سبب مسئولیت مدنی است. به عبارتی افراد (چه حقیقی و چه حقوقی) در مقابل خسارتی که از طرف خودشان و یا کسی که تحت مراقبت یا اداره آنهاست و یا اشیا و محیطی که تحت حراست آنهاست، مسئول هستند و باید به جبران خسارت بپردازند. همچنین مسئولیت شخص بر اثر تخلف از انجام تعهدات ناشی از قرارداد نیز در زمره مسئولیت مدنی جای دارد (۸).

## نقش اخلاق در حقوق مسئولیت مدنی

اخلاق با باورها و ارزشها و آرمانهای مردم گره خورده است و عرف برای آن قداست خاصی قایل می‌باشد و حقوق از جمله حقوق مسئولیت مدنی که در خدمت مردم و اجتماع می‌باشد، نمی‌تواند اخلاق را بی اهمیت انگارد، زیرا در غیر این صورت از ضمانت اجرای کافی برخوردار نخواهد بود (۹).

مسئول از آن‌جا که اسم مفعول است، به معنی پرسیده شده و درخواست شده و بازخواست شده می‌باشد. لفظ مسئول ۵ بار در قرآن کریم، در آیاتی چون آیه شریفه ۲۴ از سوره مبارکه صافات آمده است، که خداوند متعال به فرشتگان درباره مجرمین می‌فرماید: «وَقَفَّوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ» به کار رفته است.

در روایات نیز واژه مسئول دیده می‌شود. به عنوان نمونه، پیامبر اعظم (ص) می‌فرماید: «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیه» «که مبین مسئولیت اجتماعی است و نزدیک به مفهومی است، که امروزه از مسئول به ذهن می‌آید.

لفظ مسئولیت نیز مانند الفاظ مالکیت، الوهیت و معلولیت ساخته شده و عبارت است از ضرورت پاسخ‌گویی توسط شخصی که از تعهدات و



فعالیت های زیان باری از این دست گردیده و موجب تصویب قوانین و مقررات زیادی گردیده است (۱۵).

در چارچوب قوانین داخلی هر چند مواد قانونی متعددی ( چون ماده ی ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی و تبصره های آن و همچنین برخی قوانین دیگر از جمله قانون نحوه ی جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴ و ... ) وجود دارد که آسیب به محیط زیست را جرم تلقی می کند، اما دولت چندان پاسخگو نیست و به سختی می توان دولت را به جبران خسارت های مادی و معنوی ناشی از این امر وادار ساخت. از این رو برای وادار ساختن دولت ها به جبران خسارت های وارد شده بر زیست بوم جهانی می توان به قوانین مرتبط با مسئولیت مدنی دولت ها استناد نمود.

محیط زیست و صدمات وارده بر آن از مهم ترین دغدغه های جامعه ی بین المللی است و حقوقدانان به دنبال دست یابی به راهکارهای ثمر بخش برای کاهش خسارات وارد بر آن هستند. یکی از این گام های موثر، مبحث مسئولیت مدنی است. خسارات زیست محیطی عبارتست از خسارتی که به به خود محیط زیست وارد می شود و تعادل زیست محیطی را بر هم می زند و از این روی بسیاری افراد به لحاظ جانی و مالی دچار زیان می شوند. لذا قربانیان این نوع خسارات می توانند طرح دعوا کرده و جبران خسارت نمایند (۱۶).

مسئولیت مدنی در خسارات زیست محیطی یکی از تاسیسات نوین حقوقی است که به طور روز افزون ذهن حقوقدانان خصوصی و قانونگذاران را به خود معطوف ساخته است. با توجه به این که آسیب های متعددی محیط زیست را تهدید می کند و موجب بسیاری از زیان ها و آسیب ها به جان و مال مردم شده است، پیش بینی قواعد و قوانینی مناسب در این زمینه امری بسیار ضروری و حیاتی است. در اینجا لازم است به بررسی مبانی مسئولیت مدنی دولت نسبت به آسیب های وارده به زیست جهانی پرداخته شود:

— **نظریه تقصیر:** اولین نظریه، نظریه ی تقصیر<sup>۷</sup> است. که بر طبق این نظریه باید بین زیان وارد شده بر محیط زیست و فعالیت دولت رابطه ی سببیت وجود داشته باشد و تقصیر باید محرز گردد. پذیرش این نظریه، در عمل سبب دشواری های زیادی در رابطه با خسارات زیست محیطی می شود چرا که پیدا کردن عامل اصلی ایجاد خسارات بسیار سخت و در مواردی غیر قابل انجام است (۱۷). نظریه تقصیر تحت تأثیر تعلیمات مذهبی کلیسا بوده است. بر مبنای تعلیم کلیسا مسئولیت در جایی است، که وجدان از عمل انجام شده شرمسار است. به همین دلیل طرفداران نظریه تقصیر بر این باورند، که پای بندی به این نظریه راه مناسبی، برای رسیدن به آرمان اخلاق گرایی در حقوق است.

— **نظریه خطر:**<sup>۸</sup> بر اساس این نظریه، هر فرد حقیقی و حقوقی که فعالیتی را انجام دهد و بر اثر آن فعالیت محیط خطرناکی شکل بگیرد مسئول تمام حوادث ناشی از آن خواهد بود. اما این نظریه نیز

وظایف خود تخلف نموده است، چه این تعهدات حقوقی باشند و چه جنبه اخلاقی و معنوی داشته باشند (۱۰).

در قانون مدنی به جای مسئول و مسئولیت از ضامن و ضمان استفاده شده است. چراکه در اسلام از مسئولیت جبران خسارت به ضمان تعبیر شده است و منظور از ضمان، ثبوت اعتباری چیزی در ذمه کسی به حکم شارع است (۱۱).

قلمرو مسئولیت مدنی از جایی آغاز می شود، که بین طرفین قراردادی برای انجام تعهد وجود نداشته باشد. بنابراین مسئولیت مدنی در معنی عام و وسیعش هم مسئولیت قراردادی و هم مسئولیت خارج از قرارداد را در بر می گیرد. زیرا در هر دو مسئله مهم، بحث جبران خسارت است. اما تفاوت اساسی این دو با هم، برمی گردد به وجود یا عدم وجود قرارداد بین طرفین.. (۱۲)

زمانیکه از اخلاق صحبت می کنیم منظور آن است که انسان در مقابل خداوند یا وجدان خویش جواب گوی خطایی که کرده باشد و جنبه درونی و شخصی دارد. لذا یک اندیشه ساده ممکن است، موجب مسئولیت اخلاقی<sup>۹</sup> شود. ولو این که موجب ضرر قابل لمسی به دیگری نشود. اما مسئولیت مدنی مستلزم ظهور خارجی اندیشه به صورت فعل یا ترک فعل، که همراه با ضرر و زیانی باشد، بوده و ورود ضرر شرط تحقق مسئولیت است. این تفاوت به این معنا نیست که اخلاق با مسئولیت مدنی بی ارتباط است بی شک هر جا که شخص در برابر دیگری چه به حکم اخلاق و چه قانون مسئول جبران خسارتی باشد، در آن جا مسئولیت مدنی وجود دارد. (۱۳)

### مسئولیت مدنی دولت نسبت به زیست بوم

برخورداری از محیط زیست سالم و هوای پاک از حقوق بنیادین و نیازهای اساسی انسانها می باشد. امروزه بحث مسئولیت مدنی در رابطه با تمام اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی مطرح می شود و در حقوق ایران با تصویب قانون مسئولیت مدنی در سال ۱۳۳۹ مسئولیت مدنی دولت در قبال زیان های وارده به اشخاص به وسیله ی اعمال تصدی دستگاه های اداری پذیرفته شده است. بنا بر این امر هر عاملی که موجب ورود صدمه به محیط زیست گردد، به شکل بالقوه و گاه بالفعل منجر به آسیب به افراد جامعه (در سطح داخلی و جهانی) می گردد و دولت ها باید درصد جبران خسارت برآیند (۱۴). لذا استفاده از محیط زیست<sup>۶</sup> سالم گرچه یکی از حقوق بنیادین افراد است و حفاظت از آن طبق اصل پنجاه قانون اساسی حق و تکلیف همگانی است و قوانین و مقررات متعددی به منظور جلوگیری از آلودگی و حفظ محیط زیست چه در سطح بین المللی و در سطح داخلی تقنین و به تصویب رسیده است، با این حال حقوق مسئولیت مدنی نیز نسبت به ادای چنین تکلیفی بیگانه نیست.

گسترش دامنه ی فعالیت های صنعتی، فنی و کشاورزی در قلمرو سرزمین کشورها آثار مخربی را نه تنها بر محیط زیست آن کشور بلکه بر محیط زیست سایر دول و مشترکات جهانی می گذارد، افزایش نگرانی هایی از این قبیل باعث برانگیخته شدن دولت ها به مقابله با

به خوبی نمی تواند توجه کننده باشد و یافتن عامل ایجاد آسیب در این مورد نیز سخت است (۱۸).

— **نظریه مسئولیت محض<sup>۹</sup>**: بر اساس این دیدگاه که در بسیاری از کشورهای اروپایی به عنوان نظریه مبنا در زمینه خسارات زیست محیطی<sup>۱۰</sup> پذیرفته شده است، صرف وجود رابطه ی سببیت کفایت می نماید و نیازی به اثبات تقصیر نیست.

در حقوق بیشتر کشورها، مبنای مسئولیت مدنی، مسئولیت محض است. اما در برخی کشورها طبق قواعد حقوق مدنی، نظریه تقصیر به عنوان مبنا پذیرفته شده است. براساس دستورالعمل اروپایی، مبنای مسئولیت زیست محیطی، مسئولیت محض است و مسئولیت مبتنی بر تقصیر به صورت استثنایی و سلبی پیش بینی شده است.

بی شک با نگاهی به قوانین می توان دریافت که نظام های مسئولیت مدنی در جبران خسارات ناشی از آسیب های زیست محیطی با کاستی هایی مواجه هستند. این کاستی ها طیفی از موضوعات مسئولیت مدنی نظیر دشواری اثبات رابطه ی سببیت، تعدد اسباب در ورود خسارات آلودگی، اعاده ی وضع به حالت سابق و تدریجی بودن و پنهان بودن خسارات را در بر می گیرند (۱۹). بنابراین گمان می رود با توجه به میزان روز افزون خسارات زیست محیطی یک تجدید نظر و اصلاح اساسی در مبانی حقوقی مسئولیت مدنی در این زمینه و پیش بینی ضمانت های ویژه خسارات زیست محیطی ضرورت دارد. این امر در سطح بین الملل نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است و جامعه جهانی باید بکوشد تا برای جبران خسارات وارد بر زیست جهانی، قوانینی را با ضمانت اجرایی برای مجبور کردن دولت های خاطی به پاسخگویی و جبران خسارت تنظیم کند.

### رویه قضایی و مسئولیت مدنی دولت ها

بی شک ارزیابی میزان کارایی هر سیستم حقوقی بدون توجه به بسترهای اجتماعی، تاریخی و سیاسی کاری عبث و نافرجام خواهد بود. پرواضح است که ضوابط و قواعدی که در یک برهه ی زمانی کارآمد جلوه میکرده، با تغییر اوضاع و احوال دیگر چندان مثمر ثمر نخواهند بود (۲۰). از همین روست که بازنگری و تجدیدنظر مستمر در قواعد حقوقی از اهمیتی بی بدیل برخوردار است؛ تا مشخص گردد که آیا قواعد موجود نیازهای کنونی را مرتفع میسازند یا خیر. در حال حاضر به رغم نقش روز افزون فعالین غیر دولتی در بسیاری از زمینه های حقوق بین الملل، اوضاع و احوالی که حقوق بین الملل می بایست دولت را به خاطر اعمال ارتكابی گروه های یاد شده مسئول بداند، در هاله ای از ابهام است. (۲۱) در میان حقوقدانان اجماع نظر وجود دارد که شرط لازم برای احراز مسئولیت بین المللی یک دولت، اثبات آن است که میان دولت و مرتکب حقیقی آن رفتار متخلفانه رابطه و پیوندی وجود داشته است. به دیگر سخن، اثبات مسئولیت منوط به انتساب پذیری است. پیش نویس مواد راجع به مسئولیت دولتها برای افعال متخلفانه ی بین المللی مصوب ۲۰۰۱ که زین پس به اختصار پیش نویس خوانده میشود در ذیل فصل

دوم خود تحت عنوان "انتساب رفتار به دولت" در قالب ۸ ماده در مقام احصای قواعدی برآمده که منعکس کننده ی شرایط به طور اخص در حوزه ی تنظیم قواعد مسئولیت بین المللی دولتها نیز اعمال چنین رویکردی مشهود است. به طور مثال بستر سیاسی و تاریخی پیش از جنگ اول جهانی موجب شده بود که در نگرش آنزیلوتی، یکی از حقوقدانان ایتالیایی، بیشتر تساوی حکومتها مورد تأکید باشد تا منافع جمعی؛ حال آنکه بستر تاریخی و سیاسی پس از جنگ دوم جهانی شرایط را به گونه ای رقم زد که برای مثال آگو، یکی دیگر از حقوقدانان ایتالیایی و گزارشگران ویژه ی کمیسیون حقوق بین الملل در خصوص مسئولیت بین المللی، بر این باور باشد که نقض برخی از قواعد اساسی و بنیادین به تمامی دولتها صدمه میرساند (۲۲).

در سالیان اخیر اقدامات شرکت های چند ملیتی، علی الخصوص در حوزه ی مسائل زیست محیطی، در مرکز توجهات قرار گرفته است. متعاقب این امر این نظریه ی سنتی که تنها دولتها و ارگانهای دولتی در قبال نقض قواعد حقوق بین الملل و مشخصاً قواعد زیست محیطی مسئول شمرده میشوند، در حال تغییر است. با این وجود مکانیزمهای انتساب مسئولیت به این شرکتها کماکان در مرحله ی تکوین است. (۲۲)

در برخی کشورها قوانین محکمی برای حفاظت از محیط زیست وضع شده و دولت را به عنوان مسئول حفظ آن در نظر گرفته. برای مثال قانون اساسی هند مصوب ۶۲ نوامبر ۱۹۴۹ که در ۶۲ ژانویه ۱۹۵۹ لازم الاجرا شد، حاوی اصول مهمی در باره حفاظت از محیط زیست است که با اعمال چهل و دومین اصلاحیه بر قانون مزبور در سال ۱۹۷۹، در آن مجموعه جای گرفته است. در واقع این اصلاحیه در پاسخ به «اعلامیه استکهلم» شکل گرفت که در جریان «کنفرانس بین المللی محیط زیست انسان» در سال ۱۹۷۹ در استکهلم (سوئد)، به تصویب رسیده بود. (۲۳)

اصل اول اعلامیه استکهلم حاکی از آن است که بشر دارای حقوق بنیادین مربوط به آزادی<sup>۱۱</sup>، برابری<sup>۱۲</sup> و شرایط مناسب زندگی در محیط زیستی است که به وی اجازه دهد که یک زندگی شرافتمندانه ای را سپری کند. دو اصل جدیدی که در فرآیند اصلاحیه اشاره شده، به قانون اساسی هند اضافه شد یعنی اصل های ۸۴-آ و (جی) ۱۵-آ، حمایت از محیط زیست و بهبود بخشیدن به آن را از جمله وظایف حاکمیت کشور قرار داد.

دیوان عالی هند، در ضمن آرای بسیار محکم و مستدل خود، حق بشر به داشتن محیط زیست غیر آلوده را بخش اساسی و بنیادین حقوق این کشور دانسته و صریحاً اعلام کرده که حق حیات بشر، موضوع اصل ۱۲ قانون اساسی آن کشور، صرفاً شامل یک حیات حیوانی نیست بلکه منظور زندگی شرافتمندانه ای است که مطابق شأن انسان باشد و طبعاً تحقق چنین حقی منوط به برخورداری از محیط زیستی سالم و تحت کنترل از نظر آلودگی، خواهد بود. دیوان مزبور برای مقابله با آلوده کردن محیط زیست و نیز استیفای حقوق آسیب دیدگان، آنجا که لازم دیده حتی برخی از قواعد و احکام نظام حقوق عرفی را تغییر داده است! به



به عبارت دیگر، قوه قضاییه هند با احکامی که در خصوص دعاوی زیست محیطی صادر کرده، در پی تفهیم این معنی است که هر برداشتی از سوی قانونگذار یا عوامل اجرایی از «حق حیات بشر» به عمل آید که از سویی باعث افزایش کیفیت زندگی مردم در یک محیط زیست تمیز و سالم نشود و از سوی دیگر متجاوزین و آسیب‌زندگان به محیط زیست، معذور تلقی و از جبران خساراتی که به مردم و محیط زیست وارد کرده‌اند، معاف گردند، این امر اصل ۱۲ قانون اساسی آن کشور را پوچ و بی‌خاصیت کرده است.

بنابراین با نگاهی به شرایط سایر کشورها می‌بینیم که قوه قضاییه، دستگاه‌های متولی حفاظت از محیط زیست را با مشاهده ضعف عملکردشان، مورد نکوهش قرار داده و خواستار انجام اقدامات لازم برای جبران خسارات وارده به مردم و محیط زیست شده است. امری که تا کنون مشابه آن در کشورمان، ایران، با این همه مشکلات ناشی از آلودگی محیط زیست و هزینه‌های جانی و مالی که به سرمایه‌های ملی وارد می‌سازد، رخ نداده است!

### نتیجه‌گیری

امروزه مسئله حفاظت از محیط زیست در کانون توجه جوامع بین‌المللی و داخلی قرار گرفته است و به ارزش اخلاقی و اجتماعی تبدیل شده است. این امر ضرورت حمایت قضایی از این امر را در سطح ملی و بین‌المللی بیش از پیش نمایان می‌سازد. امروزه اهمیت محیط زیست بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته و به یکی از ارزش‌های برتر جوامع انسانی تبدیل شده است. این ویژگی حفاظت از محیط زیست را شایسته حمایت حقوقی می‌نماید. این حمایت حقوقی حتی می‌تواند نقش موثری در نهادینه کردن اخلاق زیست محیطی ایفا کند.

زندگی در یک محیط زیست سالم به عنوان یکی از حقوق بنیادین نوع بشر تلقی شده و هر گونه خسارت به محیط زیست که منجر به آسیب به شهروندان شود می‌بایست جبران شود. این امر به خوبی در حقوق مسئولیت مدنی مورد توجه قرار گرفته. به طور سنتی حقوق مسئولیت مدنی برای حفاظت از محیط زیست مورد استفاده قرار می‌گیرد. مسئولیت مدنی از اخلاق ریشه می‌گیرد و بر این امر تأکید دارد که مسئولیت، پاسخگویی به همراه می‌آورد. حقوق مسئولیت مدنی بر مبنای اندیشه عدم جواز اضرار به دیگری بنا شده است (۲۵). بر اساس آنچه در حقوق مسئولیت مدنی آمده وارد ساختن خسارت (غیر عمد) به دیگران مستوجب جبران خسارت است. حقوق مسئولیت مدنی اخلاقی بی‌طرف است و تنها برای پیشگیری و جبران خسارت زیان‌دیده قابل استناد است. بر این اساس دولت نیز اگر به واسطه فعالیت‌های خود به محیط زیست آسیب وارد کند به نحوی که شهروندان خودش یا شهروندان سایر جوامع را با زیان مواجه سازد باید پاسخگو بوده و به جبران خسارت وادار گردد.

متأسفانه باید اعتراف کرد که حقوق مسئولیت مدنی به ویژه در کشور خودمان در حالت ضعف قرار دارد. حال آن که با توجه به مشکلات

عنوان مثال در جریان رسیدگی به پرونده نشت گاز سمی از کارخانه شیرام در ۱۹۸۵، در شهر دهلی که منجر به کشته شدن یک نفر و بیمار گشتن تعدادی دیگر شد، دیوان عالی هند تئوری "مسئولیت سخت"<sup>۱۳</sup> که طبق آن اگر کسی برای غرض شخصی، شیئی را در زمین خود نگهداری و جمع‌آوری کند، چنان چه آن شیء با فرار از آنجا، ضرری متوجه کسی کند، او مسئول جبران زیان‌های وارده خواهد بود - را چون دارای استثنائاتی بود که مسئولیتی متوجه زیان‌رساننده نمی‌کرد، رد کرد و به جای آن اصلی جدید به نام "مسئولیت مطلق"<sup>۱۴</sup> را معرفی نمود. مفاد اصل جدید بیانگر آنست که کسی که فعالیت‌هایش موجب آلودگی محیط زیست شده باید جبران کلیه خسارات جانی و مالی را بر عهده گیرد و این که وی تمام اقدامات لازم برای جلوگیری از وقوع چنین حادثه‌ای را انجام داده و اهمالی از او در این باره سر نزده بوده است، دفاع موجهی در عدم پرداخت خسارات وارده، محسوب نمی‌شود! جبران خسارات ناشی از نشت گاز سمی MIC از کارخانه یونیون کارباید در شهر بوپال هند، در دسامبر سال ۱۹۸۴، که منجر به کشته شدن حدود سه هزار نفر و مصدوم شدن ده‌ها هزار نفر از اهالی منطقه شد نیز طبق اصل مسئولیت مطلق مورد رسیدگی قرار گرفت (۲۳).

اما نکته مهمی که در ارتباط با دعاوی زیست محیطی در هند باید مورد توجه و تأکید قرار گیرد آنست که بیشتر دعاوی مزبور از طریق "دادخواهی به نفع عموم"<sup>۱۵</sup>، به دادگستری آن کشور راه پیدا کرده و به واسطه آن، قوه قضاییه هند توانسته است تا روند تخریب و آلودن محیط زیست توسط صنایع اعم از دولتی و خصوصی را تا حد قابل توجهی کنترل کند. به عبارت دیگر هر شخصی اعم از حقیقی و حقوقی می‌تواند برای جلوگیری از تخریب محیط زیست، به طرح شکایت در دادگستری اقدام کند، گرچه خود به عنوان شاکی خصوصی جزو ستمدیدگان و متضررین اصلی نباشد. همین امر باعث شده که به موازات ارتقاء نقش مثبت دادگستری هند، نقش اشخاص حقیقی و حقوقی نیز در حفاظت از محیط زیست به ویژه برای کمک به افراد تهیدست و مستضعف که تظلم و دادخواهی برایشان با مشقتی همراه است که معمولاً باعث می‌شود از آن صرف‌نظر کنند، اهمیت والایی پیدا کند. حسن دیگر این تجویز آنست که اگر واحدهای اجرایی تابع قوه مجریه که باید به مبارزه با فعالیت‌های مخرب و آلوده‌کننده محیط زیست بپردازند، از انجام دقیق وظایفشان غفلت کنند، شهروندان خود بجای آنها وارد عمل می‌شوند و از دستگاه قضایی کشورشان، دادخواهی می‌کنند. جالب آن که دیوان عالی هند، در صورت ضرورت، حتی از اعمال قوانین خاص مربوط به محیط زیست صرف نظر کرده و با استناد به حقوق بنیادین شهروندان، مصرح در قانون اساسی آن کشور، به صاحبان حرف متذکر شده که آزادی عمل آنان طبق آن قوانین خاص، باعث مجاز بودن فعالیت‌هایشان که مخرب محیط زیست باشد، نیست. زیرا داشتن محیط زیست سالم، حق بنیادین هر فرد و نیز بخشی از حقوق اساسی آن کشور است و از این رو قانون عادی نمی‌تواند زایل و ضایع‌کننده حقوق بنیادین شهروندان باشد (۲۴).

5. Katouzian N. (2007). Ethics and law. Ethics in Science and Technology; 2(1, 2): 85-88. (In Persian) .
6. Harpwood V. (2016). Law and ethics in medicine. Medicine; 44(10): 619-622.
7. Safaee SH, Rahimi H. (2011). Civil liability (non-contractual requirements). 2nd ed. Tehran: Samt Publication .
8. Badini H. (2005). Philosophy of civil liability. 1<sup>st</sup> ed. Tehran: Sahami Enteshar Publication .
9. Mashayekh M. (2014). Investigating the role of Islamic ethics in forming and expanding the principles of liability principles of civil liability. 1st National Congress of Religious Thought and Research. Iran/Ardabil.
10. Safar MJ. (1994). Legal personality. 1st ed. Tehran: Dana Publication .
11. Ghafari S. (1986). Investigating the role of ethics in civil liability law. [M.A thesis]. Islamic Azad University, Central Tehran Branch .
12. Jafari-Langeroudi MJ. (1999). Terminology of law. Tehran: Ganje Danesh Publication.
13. Ghafari S, Nourshargh J. (2012). The role of ethics in civil liability law. Iranian and International Comparative Legal Research; 5(15): 110-138. (In Persian) .
14. Rostami V, Bahadori-Jahromi A. (2009). Government civil liability. Journal of Islamic Law; 10(29): 69-105. (In Persian) .
15. Hoseini SS. (2015). Civil liability / material and moral damages. Tehran: Majd Publication.
16. Hakimi H, Baghaee M, Babajanian B. (2012). Civil liability of environmental destroyers. Semnan: 1<sup>st</sup> National Conference on Environment and Plant Production .
17. Atefi M, Tabatabaee-Yazdi F. (2019). Conditions for the realization of government civil liability resulting from the destruction of the environment, from the perspective of the teachings of environmental law. Human and the Environment; 17. (In Persian).
18. Askari-Arjanki SA. (2019). Fundamentals of government civil liability for environmental pollution. Comparative Research Journal of Dadpishgan; 2(1). (In Persian) .
19. Katouzian N, Ansari M. (2008). Liability for environmental damage. Private Law Studies; 38(2): 285-313. (In Persian) .
20. Nolte G. (2002). From Dionisio Anzilotti to Roberto Ago: the classical international law of state responsibility and the traditional primacy of a bilateral conception of inter-state relations. EJIL; 13(5); 1083-1098.
21. Engstrom V. (2002). Who is responsible for corporate human rights violations? Abo Akademi University Institute for Human Rights .
22. Zamani SG. (2013). International responsibility of governments for the actions of private companies from the perspective of international jurisprudence

ناشی از آلودگی محیط زیست در ایران، به ویژه در شهرهای بزرگ، که سلامتی هموطنان را با خطر جدی مواجه کرده و سدی در راه توسعه پایدار کشور است. با عنایت به این که مهمترین آلوده کننده محیط زیست کشورمان، تأسیسات متعدد دولتی اند که طبعاً به خاطر انتساب به دولت، از قدرت ویژه ای برخوردارند و از سوی دیگر سازمان حفاظت محیط زیست نیز که قانوناً متولی اصلی در مبارزه با فعالیتهای مخرب و آلوده کننده دنیا است، خود یک نهاد دولتی محسوب می شود که تحت امر شورای عالی حفاظت محیط زیست قرار دارد که اکثر اعضای آن، طبق ماده ۲ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، مصوب ۳۵۳۱، عضو هیأت دولت می باشند، شایسته است که قوه قضاییه ایران، نقش مؤثرتری در حفاظت از محیط زیست کشور از خود نشان دهد و نقش مؤثرتری در حفاظت از زیست بوم جهانی ایفا کند.

### ملاحظه های اخلاقی

موضوعات اخلاقی همچون؛ سرقت ادبی، رضایت آگاهانه؛ انتشار چنگانه و ... در پژوهش حاضر موردتوجه قرار گرفته اند.

### واژه نامه

1. Ethics	اخلاق
2. Ethical rights	قوانین اخلاقی
3. Civil responsibility	مسئولیت مدنی
4. Criminal liability	مسئولیت کیفری
5. Ethical responsibility	مسئولیت اخلاقی
6. Environment	محیط زیست
7. Fault theory	نظریه تقصیر
8. Risk theory	نظریه خطر
9. Pure liability theory	نظریه مسئولیت محض
10. Environmental damage	خسارت زیست محیطی
11. Freedom	آزادی
12. Equality	برابری
13. Hard responsibility	مسئولیت سخت
14. Absolute responsibility	مسئولیت مطلق
15. Litigation in favor of people	دادخواهی به نفع مردم

### References

1. Farhud DD. (2007). An overview of the history of ethics with a collection of various fields of ethics. Ethics in Science and Technology; 2(1, 2). (In Persian) .
2. Mousavi-Bojnordi SM, Montazeri Z, Mousavi SMS. (2020). Manifestation of the Rule of "Who owns you?" and Position of Ethics in Civil Law. Ethics in Science and Technology; 15 (1):1-7. (In Persian) .
3. Hedayati M. (2014). Ethics: Definition, subject and purpose. Ethical Studies; 4(4). (In Persian) .
4. Hoseini SE. (1999). Jurisprudence and ethics. Ghabzat; 13 (2). (In Persian).



24. Arshadi M. (2005). The role of the Indian judiciary in protecting the environment. *Journal of Law*; 9(3): 1-20. (In Persian).
25. Abdoullahi M. (2007). Criminal protection of the environment: A reflection on the requirements of environmental criminal law. *Environmental Sciences*; 5(1). (In Persian).
- and arbitration. *Public Law Research*; 15(40): 115-140. (In Persian) .
23. Michael AR. (1998). *Individual rights to environmental protection in India*. Oxford: Clarendon Press.